

یادداشت

آنتروپی نهادی و ضرورت توانمندسازی تدریجی

محسن راجی اسدآبادی

مدرس دانشگاه و پژوهشگر اقتصاد بخش عمومی

در ادبیات اقتصاد سیاسی توسعه، یکی از مفاهیم کلیدی برای فهم پویایی‌های حکمرانی، «آنتروپی نهادی» است، مفهومی استعاری که به افزایش بی‌نظمی، نااطمینانی و اصطکاک در لایه‌های تصمیم‌گیری و اجرای سیاست اشاره دارد. تجربه‌های تطبیقی نشان می‌دهد هنگامی که مجموعه‌ای از متغیرهای پریسک به‌صورت هم‌زمان در یک کشور انباشته می‌شوند -ازجمله ناکارآمدی داخلی، فشارهای پایدار بین‌المللی، غلبه اقتصاد دولتی -سیستم مدیریتی وارد وضعیتی حساس به اغتشاش می‌شود. در چنین وضعیتی، حتی اگر سطحی از ثبات ظاهری وجود داشته باشد، لایه‌های خاموش سیستم‌تصمیم‌گیری حامل تنش‌های انباشته‌ای هستند که می‌توانند در مواجهه با شوک‌های سیاسی یا اقتصادی فعال شوند.

چارچوب نهادگرایی جدید، به‌ویژه در آثار داگلاس نورث، تأکید می‌کند که توسعه پایدار بیش از هر چیز به کیفیت قواعد بازی و کاهش هزینه‌های مبادله وابسته است. هنگامی که قواعد رسمی و غیررسمی پیش‌بینی‌پذیری کافی ایجاد نکنند، نااطمینانی افزایش می‌یابد و آنتروپی نهادی بالا می‌رود. در همین راستا، پژوهش‌های داوئر عجم‌واغلو و جیمز رابینسون نشان می‌دهد تمرکز قدرت بدون سازوکارهای مؤثر مهار و موازنه، احتمال حرکت سیستم سیاسی به سمت کارکردهای غیرپاسخ‌گو را افزایش می‌دهد؛ حتی اگر در ابتدا با شعارهای اصلاحی همراه باشد. داده‌های پایگاه Worldwide Governance Indicators نیز مؤید این رابطه است: در بازه ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰، کشورهایی که در صدک‌های بالای شاخص انتربخشی دولت قرار داشته‌اند، به‌طور متوسط حدود سه‌ونیم تا چهار درصد رشد سرانه سالانه را تجربه کرده‌اند، در حالی که این رقم برای کشورهایی در صدک‌های پایین به حدود یک تا یک‌ونیم درصد محدود بوده است. این شکاف پایدار نشان می‌دهد ظرفیت نهادی، متغیری تعیین‌کننده در مسیر توسعه است.

در سطح اقتصاد کلان نیز غلبه بخش دولتی، اگر با کیفیت نهادی بالا همراه نباشد، می‌تواند به افزایش نوسان‌های اقتصاد کلان بینجامد. برآوردهای صندوق بین‌المللی پول نشان می‌دهد در کشورهایی که مخارج دولت از ۴۰ درصد تولید ناخالص داخلی فراتر رفته و هم‌زمان کیفیت حکمرانی پایین بوده است، انحراف معیار رشد اقتصادی غالباً در بازه شش تا هشت درصد قرار داشته، در حالی که این شاخص در اقتصادهای دارای نهادهای قوی‌تر معمولاً زیر سه درصد بوده است. این به آن معناست که اندازه دولت به‌تنهایی مسئله‌ساز نیست، بلکه ترکیب «دولت بزرگ با نهادهای ضعیف» است که اصطکاک سیستم را افزایش می‌دهد. این وضعیت هنگامی پیچیده‌تر می‌شود که کشور به‌طور مزمع در معرض تنش‌های ژئوپلیتیک یا محدودیت‌های خارجی قرار گیرد. مطالعات بانک جهانی نشان می‌دهد چنین کشورهایی به‌طور متوسط دو تا سه واحد درصد رشد سالانه کمتری نسبت به هم‌نمایان بدون تنش تجربه کرده‌اند و شاخص نااطمینانی سرمایه‌گذاری در آنها تا حدود ۴۰ درصد بالاتر بوده است.

در این بستر پُرآنتروپی، نقش نیروهای سیاسی اهمیت تعیین‌کننده پیدا می‌کند. ادبیات گذار سیاسی، ازجمله آثار ساموئل هانتینگتون و گی‌یرمو اودانل، نشان می‌دهد گذارهای موفق معمولاً آنهایی بوده‌اند که سطح تهدید ادراک‌شده بازیگران را کاهش داده‌اند و از ایجاد شوک‌های هم‌زمان پرهیز کرده‌اند. داده‌های Political Instability Task Force نیز این گزاره را تقویت می‌کند: در کشورهایی که تغییر قدرت به‌صورت پرتنش و پرشوک رخ داده، احتمال بازگشت به بی‌ثباتی در پنج سال نخست حدود ۴۵ درصد بوده است، در حالی که در گذارهای تدریجی و مذاکره‌شده این احتمال به حدود ۱۸ درصد کاهش یافته است. این تفاوت معنادار نشان می‌دهد کیفیت طراحی گذار، اثری مستقیم بر پایداری پسینی دارد.

یک لایه تعیین‌کننده دیگر در این معادله، ظهور «پروژه‌بگیرها» یا کارگزاران واسطه است؛ بازیگرانی که نه تجربه اداره ساختارهای نهادی را دارند، نه شناخت عملی از ظرفیت‌ها و محدودیت‌های جامعه و گاه به مدت طولانی خارج از کشور زندگی کرده‌اند و به دنبال راهبردهای پریسک کوتاه‌مدت هستند. این گروه‌ها با دسترسی به منابع، پروژه‌ها و قراردادهای دولتی می‌توانند ضمن بهره‌برداری از ضعف نظارتی، آنتروپی نهادی را در لایه‌های خاموش افزایش دهند. تجربه تطبیقی بانک جهانی نشان می‌دهد در کشورهای با شاخص اثربخشی دولت زیر ۰٫۰۴، سهم قراردادهای غیررقابتی در پروژه‌های عمومی بین ۲۵ تا ۳۵ درصد است، در حالی که در اقتصادهای با حکمرانی قوی معمولاً زیر ۱۰ درصد است. افزایش این سهم نشان می‌دهد که چگونه محیط نهادی مستعد، تقاضا برای بازیگران پروژه‌محور غیرمولد را افزایش می‌یابد و نتیجه آن، افزایش اصطکاک و کاهش بهره‌وری کل سیستم است.

اقتصاد دولتی گسترده، فشارهای بین‌المللی و نیروی نظامی بالا همگی به تشدید نقش این بازیگران کمک می‌کنند. در اقتصادهایی که سهم مخارج دولت از تولید ناخالص داخلی بیش از ۴۰ درصد بوده و نظام ارزیابی عملکرد ضعیف است، احتمال گسترش شبکه‌های واسطه‌ای و پروژه‌محور به‌طور معنادار افزایش می‌یابد و بهره‌وری سرمایه‌گذاری عمومی گاه تا دو برابر میانگین اقتصادهای نوظهور کاهش می‌یابد. در شرایط تنش خارجی، سهم ترک تشریفات مناقصه تا ۱۵ واحد درصد افزایش می‌یابد و این فضا برای پروژه‌بگیرها فرصتی برای رشد و سودجویی فراهم می‌آورد.

ایوزنسیون نیز می‌تواند به تشدید آنتروپی کمک کند، به‌ویژه زمانی که افق سیاست‌ورزی کوتاه و تمرکز بر راهبردهای پرهزینه و شوک‌محور باشد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد کشورهایی که گفتمان سیاسی در آنها سریعاً امنیتی و تقابلی می‌شود، به‌طور میانگین کاهش یک‌ونیم تا دو واحد درصدی رشد اقتصادی پنج‌ساله را تجربه کرده‌اند. این اثر از طریق افزایش نااطمینانی، تعویق سرمایه‌گذاری و فرار سرمایه انسانی منتقل می‌شود.

شواهد تاریخی نیز تأکید می‌کند که شکوفایی پایدار نتیجه فرایندی بلندمدت و انباشتی است. اروپا از اواخر قرن هفدهم تا تثبیت دولت رفاه پس از جنگ جهانی دوم حدود ۲۵۰-۳۰۰ سال را طی کرد. آمریکا از ۱۷۷۶ تا تثبیت دولت رفاه مدرن حدود ۱۵۰-۱۸۰ سال، ژاپن از اصلاحات میجی ۱۸۶۸ تا دهه ۱۹۸۰ حدود ۱۱۰-۱۲۰ سال و کره جنوبی از آغاز برنامه‌های صنعتی ۱۹۶۰ تا ورود به باشکگاه اقتصادهای پیشرفته حدود ۵۰-۶۰ سال زمان صرف کرد. در همه این تجربه‌ها، انباشت تدریجی ظرفیت نهادی، حرفه‌ای‌شدن بوروکراسی و تثبیت قواعد پاسخ‌گویی شرط لازم برای پایداری بوده است، نه تغییرات سریع قدرت.

در نتیجه، هر جامعه در حال گذار که با ترکیبی از نارسایی داخلی، فشارهای خارجی، اقتصاد دولتی گسترده و نیروی نظامی مواجه است، باید تصمیمات خود را با توجه به این واقعیت اتخاذ کند که پروژه‌بگیرها و کنشگران فرصت‌طلب می‌توانند آنتروپی نهادی را تشدید کنند و هرگونه راهبرد پریسک، بدون توجه به توانمندسازی تدریجی نهادها، بی‌ثباتی و آسیب به جامعه را افزایش می‌دهد. مسیر توسعه پایدار تنها با تقویت تدریجی نهادها، افزایش شفافیت، بازطراحی مشوق‌ها و تمرکز بر توانمندسازی جامعه و دولت محقق می‌شود. بی‌توجهی به این واقعیت، چه از سوی حاکمیت و چه از سوی نیروهای مدعی بدیل، خطر افزایش بی‌ثباتی، تمرکز قدرت و آسیب عمده به مردم را افزایش می‌دهد.

بررسی («شرق») نشان می‌دهد سرعت خنثی‌شدن ارزش سوبسید پرداختی دولت‌ها شدت گرفته است

ذوب یارانه

شرق: ارزش کالابرگ یک میلیون تومانی در کمتر از دو ماه ۱۵ درصد کاهش یافت و حالا به حدود ششش دلار رسیده؛ این در حالی است که ارزش یارانه ۳۰۰ هزار تومانی دولت ابراهیم رئیسی طرف حدود دو سال نصف شد و ارزش یارانه نقدی ۴۵ هزار و ۵۰۰ تومانی دولت محمود احمدی‌نژاد معادل حدود ۴۴ دلار بود و نزدیک هفت سال بعد حدود سه‌چهارم ارزش خود را از دست داد و به ۱۰ دلار رسید. این موضوع نشان می‌دهد که از دهه ۸۰ خورشیدی تاکنون شیب سقوط ارزش پول ملی تندتر شده و رشد تورم سرعت قابل توجه گرفته است.

بن‌بست اصلاح قیمتی

سال ۱۳۸۹ بود که محمود احمدی‌نژاد خبر داد که قصد دارد دست به اصلاحات بنیادین اقتصادی بزند و با طرحی موسوم به هدفمندی یارانه‌ها، اقدام به حذف یارانه انرژی و اقلام کالایی مانند ششیر کند و در ازای آن به هر نفر ماهانه ۴۵ هزار و ۵۰۰ تومان یارانه نقدی بپردازد. دولت وقت توضیح داد که یارانه نقدی تا ۳۰ مهرماه به حساب سرپرست خانوار واریز می‌شود و تأکید کرد که با این اقدام درآمد ۲۰ هزار میلیارد تومانی از محل اصلاح قیمت‌ها در همان سال به دست می‌آید. براساس قانون هدفمندکردن یارانه‌ها، ۵۰ درصد از درآمد حاصل از اصلاح قیمت حامل‌های انرژی به صورت نقدی به مردم پرداخت می‌شود، ۳۰ درصد به تولیدکنندگان و ۲۰ درصد به دولت واگذار می‌شد تا آثار آن بر اعتبارات هزینه‌ای و تمک دارایی‌های سرمایه‌ای را جبران کند. از زمان مدافعیان دولت، اقدام محمود احمدی‌نژاد را بارها شجاعانه خطاب کردند. حسین نجابت، نماینده وقت مجلس، به ایرنا گفته بود که «احمدی‌نژاد برخلاف رؤسای جمهور گذشته با شجاعت و جسارت این طرح را آغاز کرد و دور دهم آخرین دوره ریاست‌جمهوری وی است بنابراین تمامی تلاش خود را برای بهتر اجرای‌شدن این طرح انجام می‌دهد تا اثری ماندگار از



دولت خود بر جای بگذارد». دیری نپایید که نقدها درباره طرح هدفمندی یارانه‌ها بالا گرفت؛ از فشاری که یارانه‌های نقدی بر دوش دولت گذاشته و سبب رشد نقدینگی شده تا پرداخت یارانه به ثروتمندان و تضعیف بنگاه‌های تولیدی و کاهش قدرت خرید مردم. انتقاداتی بود که بارها و بارها به طرح هدفمندی یارانه‌های محمود احمدی‌نژاد وارد شد. قیمت دلار در سال پرداخت یارانه نقدی ۴۵ هزار و ۵۰۰ تومانی حدود هزار و ۳۷ تومان بود و ارزش یارانه نقدی تقریباً معادل ۴۴ دلار در ماه می‌شد. ارزش یارانه نقدی ۴۵ هزار و ۵۰۰ تومانی هفت سال بعد در سال ۱۳۹۶ به حدود ۱۰ دلار رسید و تقریباً ۸۰ درصد ارزش اولیه خود را از دست داد. در سال ۱۳۹۶ بهای هر اسکناس دلار به میانگین چهار هزار و ۳۸۰ تومان رسیده بود. با این حساب محمود احمدی‌نژاد با اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها تا انتها اثر ماندگاری از خود به جای نگذاشت بلکه اصلاحات قیمتی او به بن‌بست خورد و با تورم شدید و تعطیلی گسترده بنگاه‌های اقتصادی مواجه شد.

ریخت‌وباش ارزهای نفتی

در دولت دوم حسن روحانی و پس از خروج آمریکا از برجام، دوباره بریزش ارزش پول در اقتصاد به شدت نفتی کشور گرفت و رئیس‌جمهوری وقت تصمیم گرفت این بار یارانه دیگری را نه به‌صورت نقدی که به‌صورت دلار ارزان به واردکنندگان کالا بپردازد. در بهار سال ۱۳۹۷ دولت

اعلام کرد که برای مهار قیمت کالاهای اساسی، دلار را با نرخ ثابت چهار هزار و ۲۰۰ تومان به تمام واردکنندگان می‌پردازد. این تصمیم را اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس‌جمهوری اعلام کرد و به همین دلیل دلار چهار هزار و ۲۰۰ تومانی دلار جهانگیری نام گرفت.

از اردیبهشت ۱۳۹۷ تا مهر ۱۴۰۰ چیزی نزدیک به ۴۶ میلیارد دلار پول نفت ایران به‌صورت دلار یارانه‌ای در اختیار واردکنندگان کالا قرار گرفت اما این ششپوه پرداخت یارانه هم فساد سنگینی به بار آورد و واردکنندگان با حربه‌های مختلف از جمله ایجاد شرکت‌های صوری و کاغذی مبالغ هنگفتی دلار ارزان به جیب زدند و یک‌شبه ثروت انبوهی به دست آوردند. از آن سو با دلار ارزان انواع و اقسام کالاهای غیرضروری و بی‌کیفیت مانند گل پلاستیکی و میخ و پیچ و حتی روده گوسفند و… وارد شد. نقدها به دولت بالا گرفت و فهرست کالاهایی که دلار چهار هزار و ۲۰۰ تومانی می‌گرفتند، به کالاهای اساسی و دارو محدود شد و دولت در ازای آن در چند نوبت محدود به مردم کالابرگ اعطا کرد. ماجرا به همین‌جا ختم نشد و دوباره گزارش‌هایی از فساد با دلار چهار هزار و ۲۰۰ تومانی گزارش شد؛ فسادهایی مشابه جای دیش یا قاچاق دارو و کالاهای اساسی که با دلار ارزان وارد می‌شدند و بازار مدام با کمبود کالایی مواجه می‌شد و کاهش عرضه مقابل تقاضا، قیمت را برای مصرف‌کننده بالا می‌برد و صف‌های روغن و مرغ و برنج شکل گرفته بود.

سرعت رشد تورم شدت گرفت

در اسفند سال ۱۴۰۰ مجلس با پیشنهاد دولت ابراهیم رئیسی برای حذف ارز ترجیحی در بودجه ۱۴۰۱ موافقت کرد و در اردیبهشت سال ۱۴۰۱ ارز چهار هزار و ۲۰۰ تومانی حذف شد و با ارز ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی جایگزین شد. دولت در ازای حدود هفت برابر شدن قیمت ارز ترجیحی، مبلغ یارانه نقدی را به ۳۰۰ و ۴۰۰ هزار تومان رساند که ۴۰۰ هزار تومان برای دک‌های کم‌درآمد اول تا سوم بود. بهای دلار در سال ۱۴۰۱ حدود ۴۱ هزار تومان بود و ارزش یارانه نقدی آن

سال فقط حدود هفت دلار بود. میانگین بهای دلار در سال ۱۴۰۳ به حدود ۸۸ هزار تومان رسید و ارزش یارانه نقدی دولت سیزدهم به حدود ۳٫۵ دلار رسید. در واقع ظرف حدود دو سال ارزش یارانه نقدی به نصف رسید و تورم سنگینی به قیمت کالاهای اساسی تحمیل شد. در دی ماه سال ۱۴۰۴ دولت مسعود پزشکیان تصمیم گرفت ارز ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی را با بهانه‌های مشابه حذف کند و در ازای آن کالابرگ یک میلیون تومانی به مردم بپردازد. زمان حذف ارز ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی بهای دلار حدود ۱۴ هزار تومان بود و ارزش کالابرگ معادل هفت دلار بود اما حالا بهای دلار به حدود ۱۶۵ هزار تومان رسیده و ارزش کالابرگ یک میلیون تومانی معادل شش دلار است؛ در واقع در کمتر از دو ماه ارزش کالابرگ حدود ۱۵ درصد کاهش داشته است. مرتضی افقه، اقتصاددان، معتقد است که نه اصلاحات قیمتی و نه طرح‌های حمایتی دولت‌های مختلف، هیچ‌کدام بر پایه اصول علم اقتصاد انجام نشده است و منابع و درآمدهای حاصل از طرح‌های اصلاح قیمت، خرج توسعه زیرساخت‌های کشور و در نتیجه رفاه بیشتر نشده تا آثار پایدار داشته باشد. بلکه بالعکس وابستگی شدید اقتصاد به درآمدهای نفتی و تولید ضعیف اغلب رانتی و واردات در بستر فسادآمیز و در مجموع اقتصاد به شدت دولتی و شبه‌دولتی سبب شده است بخش قابل توجهی از درآمدهای نفتی کشور هرز برود بی‌آنکه اصلاحات بنیادی اقتصادی ایجاد کند و از آن سو قدرت خرید مصرف‌کننده با تورم مزمن دورقمی مدام تضعیف شده است.

خبر

چرا حقوق برخی بازنشستگان کم‌شد؟

رئیس کانون بازنشستگان استان تهران از بیگیری‌های کانون عالی بازنشستگان برای افزایش کیفیت در ارائه خدمات درمانی به این قشر خبر داد و گفت: از این پس قرار است وجوه کسرشده از حقوق بازنشستگان طرف سه تا چهار روز به حساب بیمه‌گر واریز شود. خدمات درمانی بدون وقفه ارائه شود. علی دهقان‌کیا در گفت‌وگو با ایستنا، در این باره اظهار کرد: امسال دو بسته بیمه‌ای برای بازنشستگان تأمین اجتماعی تعریف شده است؛ بسته عادی، با مبلغ ماهانه ۷۲۰ هزار تومان برای هر نفر است که ۲۵۰ هزار تومان از آن را سازمان تأمین اجتماعی و ۴۷۰ هزار تومان را فرد بیمه‌شده پرداخت می‌کند. بسته دوم، موسوم به بسته طلایی، با درخواست گسترده بازنشستگان ارائه شده است که

مبلغ آن یک میلیون و ۲۵۰ هزار تومان در ماه بوده و ۲۵۰ هزار تومان سهم سازمان و یک میلیون تومان سهم بازنشسته است. رئیس کانون بازنشستگان استان تهران با اشاره به اینکه بسته بیمه طلایی مزایای ویژه‌ای نسبت به بیمه عادی دارد، ادامه داد: در این طرح، برای بیماری‌های خاص هیچ سقفی در پرداخت هزینه‌ها وجود ندارد و همچنین خدمات پاراکلینیکی از قبیل MRI، سی‌تی‌اسکن، عکس‌برداری و آزمایش‌ها بدون سقف انجام می‌شود. افزون بر این، بیمه‌شده می‌تواند تا پنج میلیون تومان در سال بابت هزینه ویزیت و پنج میلیون تومان بابت دارو دریافت کند. او در ادامه توضیح داد: بازنشستگانی که در ماه‌های پایانی سال گذشته برای بسته طلایی ثبت‌نام کرده‌اند، با توجه به شروع قرارداد از اول آذر، سه ماه مبلغ معوقه مربوط به آذر، دی و بهمن به‌صورت یک‌جا از حقوقشان کم شده است. البته آن دسته از بازنشستگانی که تمایل به ادامه استفاده از خدمات بیمه طلایی را ندارند، می‌توانند تا ۱۵ اسفندماه با ارائه تعهد کتبی انصراف خود را اعلام کنند.

یک چراغ، توروشن کن

نیاز فوری به

خوراک، پوشاک، دارو، اقلام بهداشتی

همراهی تو = سلامت + آرامش

حمایت از دختران مرکز شبانه‌روزی وحدت



وحدت

با کمک تو، چراغ این خانه روشن می‌ماند

شماره کارت بانک تجارت: ۵۸۵۹۸۳۷۰۰۰۵۲۳۴۸۶

شماره کارت بانک پاسارگاد: ۵۰۲۲۲۹۷۰۰۰۶۷۰۰۲۱

ارتباط آنلاین: ۰۹۳۰۴۶۶۱۵۳۹ - ۰۲۱۲۲۹۴۷۰۱۴

charityvahdat.ir **vahdatiha**

پاسداران، انتهای بوستان دوم(اخوان)، خیابان شهید مجیدافشاری(سافدوش)، کوچه وحدت،پلاک ۴ و ۱۱